



این داستان (د)

دود دود دود

هووف هووف هووف کرد.

دیگ را سیاه کرد.

آهسته از در بیرون رفت.

این در را زد. آن در را زد.

توی دشت، دنبال درنا کرد.

روی درخت با دارکوب دعوا کرد.

تا دور دم جنبانک چرخید

باد سرد از راه رسید.

باد با دود جنگید.

دود ترسید. دود دور دور شد.

دم جنبانک شاد شد.